

بقلم: آقای مرتضی مدرسی چهاردهی

سیهای بزرگان

فرهاد میرزا

(۵)

در تاریخ مردوخ شرح دلکشی از روزگار فرمان فرمائی فرهاد میرزا در کردستان نوشته‌اند که برای نمونه بخشی از آن، در اینجا نقل می‌گردد تا معلوم گردد، چنین کنند بزرگان، چو کرد بایدکار (۱)

۶۱ - یکی از عملیات برجسته فرهاد میرزا نظم اورا مان و دفع شر اورا میها بود که کار سلیمانیه تا کنار شهر (سه دژ) را تحت سلطنه و اقتدار داشتند، مأمورین روم و ایران نمیتوانستند در قلمرو آنها عملی انجام دهند حکام دولتین هم که علاقمندمند بشئون دولت نبوده و اعتنائی بآسایش و امنیت نداشته‌اند برای مسطور داشتن - بی عرضگی خود این قضیه را بماست مالی گذرانیده بدولتین متبوعه خود اطلاع نمیدادند، شاهزاده بعکس کلیه مأمورین زیر بار این ننگ نرفته ریشه آنها را با تیشه عز و عمل از بیخ بن بر آورده روم ایران را - از این حیث راحت آسوده ساخته است.

۶۲ - همواره اهالی کردستان از دست تعدی و تجاوز اشرار - ولایات همجوار بستوه آمده دست فرسوده ظلم و ناحساب آنها شد بودند شاهزاده معتمد الدوله با حسن تدبیر و عملیات نیرومندان کردستان و کردستانیان را از شر همسایگان آسوده نمود.

۱ - تاریخ مردوخ تألیف آقا شیخ محمد مردوخ معروف بآیت‌الله کردستانی

چاپ ارتش - طهران .

۶۳ - این سرزمین را امنیت و اطمینان فوق اندازه داده است از جمله برای مختصر حرکت خلافتی که از خوانین کلیائی سر زده بود معتبرین آنها را گرفته در کردستان زنجیر کرده است همچنان خوانین کرمانشاه و کروس و افشارهم حساب خود را - فهمیده از سطوت شاهزاده نتوانسته اند پا از گلیم خود دراز بکشند .

۶۴ - هر ساله اهالی کرستان - از دمت عشایر جاف که متجاوز از دوازده هزار خانوار هستند بستوه آمده هنگام ایلاق میشی که آنها بخاک کردستان میآمده اند اهالی شهر و دهات طرف سارال و هوپاتوو خور خوره و تیلگور و سقز و مریوان از دست تعدی و ناحساب و شرارت آنها آسایش نداشته اند زیرا این طایفه در دزدی و هرزگی و بد رفتاری مشهور و در هتک نوامیس و قتل نفوس و عدم آبادی و نهب و غارت بهر - اندازه که دسترس داشته باشند قصور ندارند سالها این طایفه در بین دولتین ایران و عثمانی مشترك و متنازع فیه بوده بر حسب قرارداد و عهد نامه های دولتین این طایفه در هنگام توقف در خاک ایران تبعه دولت ایران محسوب شده اند بهنگام مراجعت به خاک عثمانی جزو اتباع عثمانی بوده اند و نیز در عهد نامه تصویب شده که این طایفه در قبول تبعیت هر يك از دولتین آزاد هستند هر گاه کلا یا بعضاً یا یکنفر از آنها بخواهد تابعیت هر کدام از دولتین را قبول نماید دولت دیگر حق گفتگو و مطالبه ندارد .

این طایفه سالها در نتیجه این قرارداد سیاست (شتر مرغی) را نسبت بدولتین معمول داشته در ایران خود را تبعه دولت روم بخرج داده اند و در روم خود را تبعه ایران معرفی کرده اند .

گر بپیر کوئی بگوید اشترم ورنهی بارش بگوید میپیرم

در پائین زمستان در موقع قشلاق میشی آنهاست در گرمسیر عراق زندگی کرده اند و در بهرو تابستان که هنگام ایلاق میشی آنهاست به کوهستان کردستان آمده خیمه و خر گاه برپا کرده اند و در ظرف این مدت مبلغی بعنوان حق الموقع

بحاکم و پیشکار کردستان داده اند. ولی این حق الموقع در حقیقت خونبهای اعراض و نوامیس رعایای کردستان و جواز تاخت و ازدلبخواهانه جاف بوده که دیگر احدی در مقابل آنها دارای جان و مال نبوده و رعایای بدبخت از خوف حرکات وحشیانه آنها همواره آواره و متواری قرین ذلت و خواری بوده‌اند و بهر جا شکایت میکردند کسی بداد آنها نمیرسید یا نمیتوانست برسد.

- ۶۵ - شاهزاده معتمدالدوله تمام وضعیات را بدولت معروض داشته بر حسب امر دولت رسماً بر رؤساء جاف ابلاغ نمود که یا باید تابعیت ایران را قبول کرده مانند سایر رعایا در داخله خاك ایران سکونت نمایند و یا اینکه دفعه دیگر بخاك ایران نیایند رؤسا جاف از این تبلیغ و اخطار مضطرب شده با دادن مبلغی پیشکش آن سال را بسر برده که برای سال آتی تکلیف خود را معین نمایند بهار سال آتی شاهزاده اردوئی را ترتیب داده بدو نقطه که محل تخطی جافها بخاك ایران است اعزام داشته که از آنها جلو گیری نموده نگذارند داخل ایران شوند یکقسمت بطرف ناوخان شلیر و قسمت دیگر بطرف مریوان و نقطه خاوا و امیر آباد اعزام میدارد جافها که بسرحد میرسند از هر طرف آنها را رد کرده مانع از آمدن آنها میشوند بالاخره با تضرع و التجا عریضه بشاهزاده عرض کرده متعهد میشوند که خسارتی وارد نکنند و شرارتی از آنها سر نزنند و هر ساله هم دوازده هزار تومان باسم حق الموقع تقدیم نمایند شاهزاده این تقبل را قبول نکرده تمنای آنها را رد میکند جافها پس از آنکه میبینند که کار بارز پیشرفت نمیکند یا زود میخواستند جلو بیایند شورش و نزاع در گیر میشود و آتش جنگ در بین جافها و قوای سرحدی مشتعل میگردد پس از زد و خوردی جافها شکست فاحش خورده با ماکن خود عودت مینمایند و رعایای آنصفحات از این اقدام رعیت خواهانه شاهزاده آسوده و فارغ الحال میشوند.
- ۶۶ - از آن تاریخ بیعد هر ساله بهمان دستور اردوی دولتی بجهت منع جاف بدو نقطه مذکور رفته آنها را از آمدن بخاك ایران ممانعت نموده‌اند رعایا هم شروع

بتجدید آبادیهای مخروبه نموده يك آبادی را بیادگار شاهزاده (فرهاد آباد اسم میگذارند در نقطه خاو و امیرآباد هم حسب لامر شاهزاده برای اردوی دولتی قلعه را بنا کرده اسم آنرا (لشکرآباد) گذاشته‌اند.

۶۷ - تاریخ فتح اورامان و تاریخ بنای قلعه لشکرآباد را میرزا علی اکبر وقایع نگار ملقب بصادق الملك مؤلف (حدیقه ناصری) بنظم در آورده برای هر يك قصیده جدا گانه انشاء نموده است شعر آخر هر يك از آنها اینست .
(فتح اورامان)

گفت از شهر ربیع الثانی ارصد کم کنی

هفت بفرائی شود تاریخ فتحت آشکار

(بنای قلعه لشکر آباد)

نوشت خامه افسر بسال تاریخش

بسعی معتمد الدوله قلعه شد آباد

۶۸ - یکی دیگر از اقدامات معتمد الدوله اینکه در اواخر سال ۱۲۸۷ هجری ناخوشی و بادر کردستان بروز کرده سه ماه طول کشیده است تلفات زیاد داده است در اوایل سال ۱۲۸۸ هجری نیز قحط و غلا شروع شده علاوه بر فقرا و مساکین شهر و دهات از ناحیه خمسه و مهربان هم عده چهار هزار خانوار بڭاك کردستان هجوم آورده وحشت و اضطراب مفرطی اهالی را فرا گرفته است صاحبان گندم هم فرصت را مغتنم شمرده تسعیر را بالا میبرند که یکمربته گندم از خرواری دو تومان بدوازه تومان میرسد و عرصه حیات بر فقرا و مهاجرین سخت و دشوار میشود شاهزاده در ابتدا قسمتی از فقرا مهاجر را بر اغنیا و متولین تقسیم کرده قسمتی را هم خودش متکفل مخارج و اعاشه شده است و چون هوا سرد بوده حمامی را هم بجهت سکونت آنها اجاره نموده شبانه روز در آنجا متوقف بوده اند با وجود این اهتمام و اقدام تغییری در عقیده مالکین پیدا نشده تسعیر پائین نمیآید ناچار شاهزاده اداره ارزاق

تشکیل میدهد و قریب ده هزار تغار گندم را حواله ملاکین نموده که بار کرده تحویل اداره بدهند و از قرار تغاری یکتومان قیمت آنرا دریافت دارند صاحبان گندم از این حکم شاهزاده متزلزل شده هر چه خواسته اند که بحیله و تدبیر یا رشوه و تزویر رأی او را تغییر بدهند، شاهزاده ثبات عزم بخرج داد تن به تغییر رأی در نداده است بالاخره در قلیل مدتی کلیه گندم حواله شده را ملاکین در مقابل قیمت مذکور تحویل اداره ارزاق داده هر روزه بخبازان تقسیم میشده و نرخ نان از بیک من دوهزار که بدست هم نمی آمده به دوعباسی رسیده و در نهایت فراوانی بوده است اگر چه پیش از رسیدن گندم بیش از سه هزار نفر از فقرا و مهاجرین در نتیجه قحطی و سردی هوا و ناخوشی و بلاء تلف شده اند - لیکن پس از رسیدن گندم عموم فقرا و مهاجرین آسوده شده جانی سلامت برده اند - کلیه مخارج تجهیز و تکفین متوفیات را خود شاهزاده از کیسه فتوت خود پرداخته است -

۶۹ - دیگر اینکه از قدیم الایام رسم (خانه شما) که آنرا (درمالانه) میگفته اند درسنه دژ معمول بوده است باین معنی که هر ساله خانمهای شهر را شمرده از هر خانه بتفاوت قدرت و بی قدرتی و جبهی دریافت داشته اند که هر ساله تقریباً بالغ بر پانزده هزار تومان میشده - شاهزاده این مبلغ را بر حسب خواهش حاج ملا محمد (نیری) که یکی از صلحا و اتقیاء کمرستان بوده و بتخفیف ابدی متروک داشته است و در سنگ رخام منقور نموده در مسجد دارالاحسان نصب کرده اند -

۷۰ - دیگر - اینکه اختلاف اوزان در صفحه کمرستان باعث زحمت مردم و اختلال معاملات بوده است شاهزاده معتمد الدوله برای رفع این اختلاف و اختلال قریب یک هزار من را (معادل نهد مثقال) از آهن ساخته - در شهر و دهات و بلوک منتشر و توزیع نموده است که حالا هم همان سنگ و وزن در کمرستان معمول و متداول است و مشهور به (سنگ شاهزاده) است -

۷۱ - دیگر اینکه - در جلو قلعه حکومتی برای محل نظام یک سر باز خانه ساخته که گنجایش یک فوج سر باز را دارد - نقار خانه در طرف غربی این سر باز خانه

واقع شده از بناهای امان اله خان بزرگ است که هر روزه هنگام غروب آفتاب در آنجا نقاره زده و کرنای نادری را غنوده اند .

۷۲ - در بهار (۱۲۸۹) که ناصرالدینشاه عازم فرنگ شده است شاهزاده را برای تکفل امور مملکت) تصدی مقام (نیابت سلطنت) بتهران اجضار میفرماید میرزا حسنخان صدراعظم باومینویسد والا حضرت تا هر چند دائم دشمنی جای تودردل داده ام امهمان صاحبخانه کش در خانه منزل داده ام .

شاهزاده در غیبت خود نیابت حکومت کردستان را بفرزند خود شاهزاده عبدالعلی میرزای احتشام الملك سپرده پیشکاری ووزارت را هم بحاج میرزا اسمعیل خان علی آبادی واگذار مینماید و خود رهسپار دارالخلافه میشود .

۷۳ - در همین سال جمع کثیری از اهالی کردستان بمرض مطبیه و اسهال مبتلا شده جهان فانی را بدورد گفته اند .

پس از مراجعت شهرباری از مسافرت فرنگ بمقر سلطنت و هنگامه عزل میرزا حسین خان صدر اعظم که تفصیل آن در تواریخ مفصل ایران مشروح است شاهزاده بکردستان مراجعت نموده پس از ششماه توقف در شهر صفر سنه (۱۲۹۱) هجری از حکومت کردستان معزول و در روز چهارشنبه ۲۸ صفر حرکت نموده و شاهزاده طهماسب میرزای مؤید الدوله بجای او منصوب گشته است .

۷۴ - مرحوم صادق الملك وقایع نگار شعرذیل را بقاعده اخراج و ادخال در رفتن فرهاد میرزای معتمد الدوله و آمدن طهماسب میرزای مؤیدالدوله انشاء نموده است .

از تخت جلال رفت فرهاد طهماسب بجای او مکان یافت

چون از تخت جلال که (۱۴۶۴) است (فرهاد که (۲۹۰) میباشد بیرون برود

(۱۱۰۴) می ماند - چون طهماسب که (۱۱۷) است بجای فرهاد بنشیند و جمع

کنند حاصل جمع (۱۲۹۱) خواهد شد حکومت شاهزاده معتمد الدوله، تاریخ انقراض

حکومت اردلان است که دیگر کسی از آنها برمسند حکمرانی ننشست . **پایان**